پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۷-سال دوم دوشنبه ۲۱ میزان ۴۸ ۱۳ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۹

له ملی گټو سره وفاداری

په مترقی مبارزه کی هیڅکله نه ښایی د دغه یا هغه خارجی هیواد په پټو سترګو او سطحی تقلید وشی. موږ باید د عملی مبارزی په جریان کی خپلو ملی سیاسی قوت په اساس د خپل هیواد به مشخصو شرایطو کی په مستقل او ځانګړی فعالیت قادر شو.

موږ هغه وخت پریالی کیدای شو چه د خپلو خلکو پیشاهنګ او د خپل هیواد واقع ملی قوت یو او د کارګرو د طبقی مترقی ارمانونو په خاطر مبارزه د خپل هیواد د عمومی ملی ګټو په لاره کی له ملی مبارزی سره ترکیب کړو او په دی زمینه سرمشق شو.

له ملی ګټو سره وفاداری او زموږ د پیړی د پرمختلونکو اندیښنو پیروی، د استبداد، ارتجاع، استعمار او امپریالیزم پر ضد زموږ د مبارزی د کامیابی وثیقه ده.

با خودسری و استبداد باید مبارزه کرد

یکی از وظایف ما دفاع صمیمانه و جدی نه تنها از رفقای ما (زندانیان ج. د. خ. ا) است، بلکه از تمام کسانیست که صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان‌بینی‌شان و اختلافاتی که با ما دارند، اما در نتیجه مبارزه علیه استبداد و خودسری، خلاف موازین دموکراتیك و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، به زندان استبداد افتاده‌اند.

با اظهار خشم و نفرت خاطر نشان می‌گردد که زندانیان سیاسی کشور، علی رغم امتیازات خاصی که در جوامع پیشرفته و مترقی برای این‌گونه اشخاص وجود دارد، از لحاظ مادی، صحی، دفاعی و محاکماتی و اعمال مخالف کرامت انسانی که در برابر آنان صورت می‌گیرد، با مشکلات زیادی دست به گریبانند و حتی عده‌یی از آن‌ها بخصوص کارگران دور از خانواده‌های فقیر خویش بدون حداقل تأمین مادی و صحی با فقر هلاکتبار و مشکل اقتصادی و محروم از «پایواز» در سلول‌های زندان بسر می‌برند.

از همه نفرت انگیز تر اینکه: زیر نام به‌اصطلاح «قانون» در هر محاکمه‌ای که از زندانیان متهم صورت می‌گیرد، بنا بر دوسیه‌های مرتبه دستوری و توطئه آمیز و اتهامات غلط و نادرست به حبس‌های طولانی محکوم می‌گردند و بدتر از آن اینکه این‌همه «محاکمه‌ها» بر اساس قوانین و مقررات کهنه‌یی صورت می‌گیرد که واضحاً مخالف آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اهداف مقدمهٔ قانون اساسی و ضد مادهٔ (۱۲۸) آن می‌باشد. ماده (۱۲۸) قانون اساسی می‌گوید: «قوانینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که متناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید آن را الغاء نکرده باشد.»

حقایق نشان می‌دهد که خصوصاً قوانین سابق محصول شرایط استبداد بوده است و بر حسب مواد آن‌ها از کوچکترین حرکت آزادی‌خواهانه توجیهات و تفسیرات غلط صورت گرفته و متهم محکوم به حبس‌های طولانی می‌گردد، خاصه اینکه درین اواخر قوه اجرائیه، قضا و اداره به بهانه تطبیق قانون (آن‌هم علیه آزادی خواهان و وطن‌پرستان نه علیه متنفذین، مرتجعین، مستبدین و مأموران رشوه خوار دولت) هر آنچه خودسری و ستمگریست به غرض فرونشاندن و سرکوب نهضت رهائی‌بخش ملی و اجتماعی کشور تعمیل می‌نمایند. اکنون وظیفهٔ تمام نیروها و عناصر ملی و دموکراتیك، ترقی خواه وطن‌پرست کشور است که متحدانه علیه چنین خودسری و استبداد مبارزه کنند و نگذارند که دامنه توجیهات نادرست از قانون اساسی و تطبیق غلط قانون زیر نام به‌اصطلاح «حفظ امنیت» و «قانونیت» و «استقرار وضع» بسط و توسعه یابد، باید جداً متوجه بود که نیروهای استبدادی و ارتجاعی در کشور سخت حیله‌گراند و به شیوه اداره استعماری معتاد اند و پلان فرونشاندن و سرکوبی نهضت رهائی‌بخش را روی دست دارند و مقدمات آن در دست تهیه است، مقدماتی به‌اصطلاح «مدبرانه» و...

یاد داشت: طی چهار سال نهضت رهائی‌بخش، اعم از نهضت اعتصابی و تظاهراتی کارگران، دانشجویان و نهضت انتخاباتی... و غیره (۳۵) تن از پرچمداران مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان توقیف گردیده‌اند که همین اکنون (۱۲) تن از آنان در زندان استبداد به سر می‌برند. همچنان بیش از یك صد تن از پرچمداران آگاه ج. د. خ. ا اعم از کارگران، معلمان، محصلان و مأموران پائین رتبه یا اکثراً از کار، اداره، لیسه و پوهنتون (پوهنځی ها) عملاً تبعید و یا به‌اصطلاح «تبدیل» شده‌اند.

اسمای زندانیان پرچمدار ترقی خواه، وطن‌پرست ج.د.خ.ا و جریانات مختلف و اشخاص منور که طی یک سال اخیر زندانی شده‌اند و اکنون در زیر محاکمه ابتدائیه و یا مرافعه قرار دارند، قرار آتی است.

دستگیر پنجشیری، عبدالهادی کریم، عبدالقدوس کارگر، عبدالقادر بهیار، عبدالوکیل محصل پوهنځی اقتصاد، نجیب الله محصل پوهنځی طب، محمد اسماعیل محصل پوهنځی حقوق، عبدالعلی کارگر، سلیم کارگر، غلام سخی دهقان، غلام فاروق محصل انجنیری، نجیب الله محصل ادبیات.

داکتر صالح زیری، عبدالکریم زرغون محصل پوهنځی طب،

ـ محمد طاهر بدخشی، بحرالدین باحث

ـ فرید شایان، گل محمد، ذبیح الله، سید قیوم، محمد عظیم، یاور - بشریار،

- نادر علی، نقیب الله، محمد یاسین، حبیب الله، غلام یحیی و یك عده از شاگردان ابن سینا و دارالمعلمین و دیگران که عجالتاً نام‌های آن‌ها در نزد ما موجود نبود.

از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود که اسمای اشخاص ملی و مترقی دیگری را که در حوادث اخیر زندانی می‌باشند به غرض نشر به ما بفرستند.

اکنون وظیفهٔ تمام عناصر ملی و مترقی است که از تمام زندانیان سیاسی که علیه استبداد، ارتجاع و استعمار مبارزه کرده‌اند و مخالف آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و بنا بر اتهامات نادرست و توطئه آمیز مخالف اصول دموکراتیك زندانی شده‌اند، با تمام وسایل مشروع ممکنه قانوناً در چوکات اصول دفاع کنند و این جمله را شعار روز خویش قرار دهند:

عناصر ملی و مترقی باید از زندان رها شوند!

نور احمد (وکیل دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرګه)

بازهم اعتراف به وضع نابسامان

اقتصادی کشور

بناغلی دوکتور عبدالصمد حامد در جریان روزهای «جشن استقلال» کشور بیانیه‌یی ایراد نمود که در آن شیوهٔ «هوشیارانه» خاصی بکار برده شده است تا هموطنان ما معتقد گردند که گویا حکومت در جریان یکسال کارهای فوق‌العاده و خارق‌العاده‌ای را در زمینهٔ رشد اقتصادی کشور انجام داده است. نخست اعترافات سال گذشته در باره رکود اقتصادی کشور در بیانیه تکرار و سپس یك سلسله اعداد و ارقام به‌صورت فیصدی ها طوری ارائه شده است که باملاحظه آن خواننده نتیجه گیری نماید که گویا نواقص گذشتهٔ ظرف یکسال رفع و کارهای بزرگی در جهت رشد و تکامل اقتصادی جامعه عقب مانده ما انجام گردیده باشد ولی از آنجائی که واقعیت موجود با آنچه ادعا می‌گردد، تناقض صریح دارد، بنا بر آن مشکل است آن چنان ذهنیتی را که در این زمینه مطلوب حکومت است، در مردم به وجود آورد.

در آغاز بیانیه بناغلی وزیر پلان اعترافاتی که در سال گذشته از طرف حکومت به عمل آمده بود جمع بندی شده است که مقصد از آن اینست: حکومت مواجه به یك معضله اقتصادی بوده و در کشور رکود اقتصادی حکمفرماست، امکان به دست آوردن قروض خارجی با شرایط مساعد و استقراض از بانك مرکزی محدود می‌باشد، تناسب افزایش در عاید ملی با مقایسه افزایش نفوس و استفاده از عاید ملی به‌منظور سرمایه گذاری دولت به مقایسه کشورهای مشابه افغانستان و به‌تناسب ضرورت رشد اقتصادی کشور فوق‌العاده ناچیز است.

نخست باید این مسأله را روشن ساخت که تنها اعتراف به نواقص نمی‌تواند کاری را از پیش برد، تشخیص نواقص و اعتراف بدان به معنی حل معضلات نه، بلکه آغاز کاریست که باید تعقیب گردد و برای رفع آن‌ها فعالیت‌های جدی مستمر و با ثمر، با استفاده وسیع از امکانات موجود صورت گیرد.

ولی در اظهارات رسمی حکومت می‌توان متوجه این نکته گردید که سعی به عمل می‌آید مردم متقاعد گردند که گویا نواقص در کار حکومت یك امر طبیعی است، چنانچه بدان اعتراف می‌گردد، اما امکانات برای رفع آن‌ها محدود می‌باشد و آنچه هم انجام می‌گیرد نتیجه کار و فعالیت شباروزی و خستگی ناپذیر (!) دستگاه اداره حکومت افغانستان می‌باشد. در بیانیه بناغلی حامد وزیر پلان نیز مسأله چنین طرح گردیده است که اولاً نواقص کار شمرده شده و سپس سعی به عمل آمده تا ثابت گردد که تا سال گذشته حکومت مواجه به معضلات بزرگی اقتصادی بود، ولی در جریان یك سال این معضلات تا حدود زیادی رفع گردیده است. برای اثبات این مدعا در بیانیه اعداد و ارقامی به‌صورت فیصله‌ها که افزایش فوق‌العاده را با مقایسه به گذشته نشان می‌دهد ارائه شده بدون اینکه ارقام اولی که پایه سنجش این فیصدی‌هاست ارائه گردد. هدف معلوم است، برای اینکه ارقام اولی فوق‌العاده ناچیز می‌باشد و طبیعی است که حداقل افزایش با مقایسه ارقام قبلی که بسیار ناچیز هم باشد به‌صورت فیصدی بزرگ جلوه می‌نماید.

بناغلی وزیر پلان با ارائه چنین فیصدی ها و نتیجه گیری‌های دور از واقع بر اساس آن‌ها در بیانیهٔ خویش مدعی می‌گردد که ...«تا حدی در رفع رکود اقتصادی که به آن مواجه بودیم موفقیت نصیب خواهد شد. » درین جا سؤال به وجود می‌آید که اگر حکومت به رکود اقتصادی مواجه بود (در گذشته) یعنی اکنون (در حال) نیست، پس چه ضرورت که همه گفته شود «موفقیت نصیب خواهد شد» (در آینده)؟ برای اینکه دست حقایق در لابه‌لای الفاظ پوشانیده شود حتی محل استعمال ماضی، حال و استقبال در

(ص ۲)

چطور حکومت قیمت‌ها را بالا می‌برد

اخیراً حکومت قیمت پترول را از فی لیتر ۵ افغانی به فی لیتر ۶- افغانی و همچنان قیمت دیزل را نیز بالا برد، دلیل آن تکافوی کسر بودجه وانمود می‌گردد که سهل‌ترین راه برای آن، افزایش قیمت پترول تلقی گردیده است. مبالغ اضافی که ازین طریق به دست حکومت می‌رسد در واقع از دست اکثریت عامه مردم به‌طور غیرمستقیم بیرون کشیده می‌شود.

این اولین بار نیست، هنگامی‌که دولت برای مصارف فراوان و غالباً بی لزوم ادارهٔ عریض و طویل خویش به مبالغ اضافی ضرورت احساس کرده است، کوشیده آن را بر اکثریت محروم مردم افغانستان به‌اصطلاح «ریزش» یعنی تحمیل نماید. هرگاه حکومت‌ها در افغانستان جرأت آن را می‌داشتند که اقلاً چند گام مختصری در جهت تحدید غارتگری‌های عظیم طبقات حاکم بردارند، امکانات وسیع برای تأمین عواید کافی دولت میسر بود؛ ولی از آنجائی که حکومت‌ها من‌حیث ماهیت خویش قادر به انجام این امر نیستند، لهذا فشار عمدهٔ مالیات و عوارض و سنگینی ناشی از افزایش قیمت‌ها را بر دوش توده‌های محروم جامعه می‌افگنند، یکی از این تصمیمات خورد کننده اخیر که تأثیر ناگوار، مستقیماً بر زندگی خلق کشور دارد؛ همین افزایش قیمت پترول می‌باشد. حکومت اگر منافع مردم و عواقب و نتایج ناشی از این اقدام را به حداقل می‌توانست در نظر گیرد؛ راه برای به دست آوردن یك مقدار پول اضافی، افزایش قیمت پترول نه؛ بلکه به حیث یکی از راه‌ها تعقیب جدی و سرسخت موتر-داران سرباری که غالباً محصول و حق‌الانحصار موترها را نپرداخته و از تأدیه آن به نیرنگ‌های گوناگون سر باز زده‌اند و بالا بردن میزان محصول و حق‌الانحصار توریدِ موترهای تیز رفتار شخصی بود؛ اما همه می‌دانند که حکومت نه حاضر است و نه قادر که به چنین عملیات دست زند که به‌اصطلاح «آزادی» نازپرورده‌ها و مفت خوران جامعه محدود و یا به منافع ایشان کوچکترین لطمه وارد گردد.

مسلم است که افزایش در قیمت پترول تأثیر سوء در زمینه افزایش دیگر قیمت‌ها دارد و هم بهانه به دست استفاده جویان غارتگر جامعه می‌دهد؛ که هم‌اکنون نتایج آن بر قیمت‌های مواد اولیه مورد نیاز مردم و مخارج زندگی ایشان مشهود است. اقدام به چنین تصمیمی بخصوص در شرایط افغانستان که یگانه وسیله اساسی حمل و نقل و خاصتاً برای انتقال غله و خوار و بار از مناطق دو دست به بازار، موتر می‌باشد (خط آهن وجود ندارد، حمل و نقل از طریق فضا در کشور ما گران و ناکافی است) یك عمل نادرست بوده و این خود حکومت است که موجد و مسؤول گرانی قیمت‌ها می‌باشد.

کاوه

موقف‌های شوروی و امریکا در قبال بحرانات شرق میانه

انور سادات رئیس شورای ملی جمهوریت عربی متحد اظهار داشت: در بعضی از جراید غربی و حتی در جراید لبنان نوشته شده است «عده‌یی در داخل مصر با همدستی شوروی می‌خواستند تغییراتی وارد سازند.» انور سادات این نوشته‌ها را از ریشه رد کرد. او گفت: در هر کشور تغییرات صورت می‌گیرد.

انور سادات اظهار نمود: «دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا و اداره جاسوسی آن علیه جمهوریت عربی متحد شروع فعالیت نموده‌اند و می‌خواهند با این تبلیغات در بین مردم شگاف ایجاد نمایند، مگر حالا مردم بیدار شده‌اند و فریب همچو تبلیغات زهرآگین را نخواهند خورد. فعلاً امریکا به دشمن شماره یك جهان عرب تبدیل شده، در حالی که اتحاد شوروی دوست بی‌شائبه خلق عرب است. شوروی کمک‌های بدون غرض بما می‌کند و ما توسط آن از آزادی و شرافت خود دفاع می‌کنیم. ما به اتحاد شوروی به حیث یك دوست و با اعتماد می‌نگریم و دوستی ما پایدار خواهد بود.»

***

محمود ریاض وزیر خارجهٔ جمهوریت عربی متحد در یادداشتی که به اسامبلهٔ عمومی ملل متحد فرستاده سیاست جمهوریت عربی متحد را در مورد تجاوز اسرائیل ارزیابی نموده و طرح پالیسی‌های توسعه‌جویانه اسرائیل را خاطر نشان ساخته است.

محمود ریاض جنایات روزانه اسرائیل را علیه مردم عرب به جنایات آلمان نازی علیه مردم اروپا مقایسه کرد.

وزیر خارجه جمهوریت عربی متحد به تدارکات دوامدار ایالات متحده امریکا برای اسرائیل از لحاظ طیارات و اسلحه در هنگامی که اسرائیل خاک‌های عرب را اشغال کرده است و به پشتیبانی آن کشور از پلان‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل اشاره کرد.

او درین مورد گفت که این طیارات و فانتوم است که اسرائیل از ایالات متحده امریکا دریافت می‌دارد، مردم عرب را به قتل می‌رساند، اعراب فلسطین را در کمپ‌هایشان مورد تعقیب قرار می‌دهد، بمب‌های ناپالم و وسایل دیگر ویران کننده را بر ایشان فرو می‌ریزد. وی خاطر نشان ساخت که امریکا از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل را که مخالف صریح منشور ملل متحد خاک‌های عرب را اشغال کرده است پشتیبانی می‌نماید.

محمود ریاض در یادداشت خویش به اسامبله عمومی ملل متحد متذکر می‌گردد که یگانه راه برای تأمین صلح در شرق میانه عبارت از تطبیق فیصله نامه ۲۲ نوامبر می‌باشد.

محمود ریاض در مورد موقف اتحاد شوروی در باره بحرانات شرق میانه گفت که کوشش‌های بزرگی به‌منظور استقرار صلح مبنی بر عدالت توسط ا اتحاد شوروی به عمل آمده است. او از موضع‌گیری قاطع شوروی علیه تجاوز اسرائیل سپاسگزاری کرد. وی اضافه کرد که اتحاد جماهیر شوروی خلق‌های افریقا و آسیا را در مبارزه ایشان علیه امپریالیزم و استیلای خارجی پشتیبانی کرده است.

محمود ریاض در پایان یاد داشت خویش اظهار می‌دارد که مردم مصر مصمم‌اند که هر آنچه از خاک‌های اشغال شده...

بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیك آلمان تجلیل شد

از تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان بیست سال می‌گذرد. در هفته گذشته مراسم پرشکوهی بدین مناسبت در برلین برگزار گردید. نمایندگان (۸۴) کشور مختلف جهان در تجلیل بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان اشتراك ورزیده بودند.

البریخت رهبر حزب سوسیالیست واحد آلمان دموکراتیک طی بیانیه‌یی اظهار داشت: «ما خوشبختیم بمردم جهان نشان می‌دهیم که از یك کشور میلیتاریستی آدم کش و جنگی طلب بیك کشور کارگری و دهقانی رشد یافته، صلح طلب و آزادی دوست تبدیل شده‌ایم و این از برکت نظام اجتماعی سوسیالیستی می‌باشد. » البریخت گفت که: «سیاست ما از سیاست ماجراجویی و جنگ طلبی به عامل صلح و دوستی تبدیل شده است. ما از مبارزات خلق ویتنام که جهت احقاق حق شان مبارزه می‌کنند پشتیبانی

(ص ۲)

قاسم اسماعیلی - امداد به اشتباه به پرچم نگذاشته اند

شناخت صحیح زمینه‌های اقتصادی—اجتماعی و تکتیک و استراتژی سیاسی باهم پیوند دارد

موضوع «شناخت» موضوعی‌ست بسی ارزشمند که زندگی، کارنامه‌ها و سرنوشت آدمیان از چگونگی (درستی و نادرستی) آن به‌سختی متأثر بوده است. «شناخت صحیح» برای یک سازمان مترقی پیروزی بار آورده و »شناخت نادرست، موجب شکست او شده است. ازین رو شناخت صحیح زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی برای سازمان‌های سیاسی مترقی امری‌ست کاملاً ضروری. هرگونه اشتباه در شناخت سازمان‌های سیاسی مترقی ضربه‌ای است بر پیکر توده‌ها و جریان پیشرو. باید عملیهٔ «شناخت» را با شیوه‌های نوین علمی بررسی کرد و اصول «شناخت صحیح» را به دست آورد.

طرح موضوع: شناخت زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی در کشور ما، همانند هر پدیدهٔ دیگر، دو جنبه و دو پهلوی متضاد دارد: نخست جنبهٔ عام و پهلوی روشن، دو دیگر جنبه خاص و پهلوی پیچیده.

اگر زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی را از دیدگاه جنبهٔ عام و پهلوی روشن بنگریم، همه چیز ساده و مفهوم است؛ بدین معنی که افغانستان را کشوری می یا بیم پسمانده و دارای یک سیستم پوسیده طبقاتی که مناسبات فئودالی در آن مسلط است. این جامعه، مانند جوامع دیگر طبقاتی، به دو قطب عمده و متضاد بخش شده است. در یك قطب نیروهای استثمارگر و در قطب دیگر توده‌های وسیع زحمتکشان قرار دارند. روابط تولیدی موجود، روابط استثمارگرانه است. در چارچوب این روابط تولیدی کشمکش طبقاتی جریان دارد. به مقیاس جهانی نیز توده‌های ما از تقسیم کار جهانی رنج می‌برند؛ زیرا کشور ما به حیث یك تولید کنندهٔ مواد خام و بازار فروش کالاهای صنعتی به دست کشورهای امپریالیستی استثمار می‌شود.

همه چیز، طوری که گفته شد، روشن است. حالا چه باید کرد؟

خیلی ساده: باید از توده‌ها خواست که زنجیرهای استعمار و استثمار را پاره کنند؛ باید توده‌ها... را انجام دهند و جامعه مسعود را پدید آورند؛ چه، دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیزم است.

این یك جنبه و یك پهلوی مسأله است، ولی باید واقعیت‌گرا بود؛ جنبهٔ دیگر و پهلوی دیگر را نیز باید در نظر داشت.

هر گاه زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی افغانستان را از جنبه خاص و پهلوی پیچیده بررسی و پهلوی سیاسی مسأله را مطالعه کنیم، همه چیز را مبهم، غیر مفهوم و سردرگم کننده می‌یابیم:

مثلاً در جبههٔ ارتجاع می‌بینیم که نیروی‌های وابسته به این جبهه حیله گر، زرنگ، کهنه کار و انعطاف پذیر هستند، وسایل و شیوه‌های گوناگونی را برای فریب دادن توده‌ها به کار می‌برند. **ارتجاع محتوی واحدی را در اشکال مختلف در برابر مردم قرار می‌دهد: بدین‌سان آنان را تخدیر می‌کند و با بلاتکلیفی طبقاتی روبه رو می‌سازد.** سازمان‌ها و مؤسسات عمده اجتماعی در اختیار ارتجاع کشور است که از آن‌ها ماهرانه به سود خویش بهره برداری می‌کند. امپریالیزم نیز با قدرت عظیم اقتصادی‌اش، با شبکه‌های جاسوسی‌اش و با سازمان‌ها و وسایل فرهنگی‌اش تعاملاتی را در جامعهٔ ما انجام می‌دهد که این تعاملات بر تار و پود این جامعه اثر ژرف می‌گذارد. **بورژوازی ملی «اقشار متوسط» را با پیوندهای مشخص به خود وابسته می‌سازد، خرده بورژوازی را به جناح راست، به‌سوی فساد و خوش‌گذرانی‌های مبتذل میراند؛ عناصر مذهبی را علیه نیروهای مترقی بسیج می‌کند؛ روشنفکران را عیاش، خودپرست و عشرت طلب می‌سازد و به‌سوی گذرگاه‌های انفراد پسندی بورژوایی و انارشیزم نیهیلیسم می‌کشاند.** بدین گونه این تعاملات کلیت ذهنی مردم را متأثر می‌سازد؛ درین کلیت پراکندگی و ابهام بار می‌آورد و سلامت دید عمومی مردم را نابود می‌گردند و به‌جای یك دید سالم، دید مطلوب خویش را جا گزین می‌سازد. **در جبههٔ خلق دیده می‌شود که هنوز مردم در رخوت‌اند و شعور طبقاتی آن‌ها بیدار نگردیده است. مرزهای طبقاتی شکلاً، برای خلق هنوز روشن نیست؛ ازین رو توده‌ها تاکنون دوست را از دشمن نمی‌توانند تشخیص دهند. میان طبقات و اقشار ملی و مترقی (کارگران، دهقانان و پیشه‌وران، کارمندان پایین رتبه مؤسسات دولتی و خصوصی، بورژوازی ملی و روشنفکران) اتحاد آگاهانه و بالفعل ایجاد نشده است.**

طبقه نوجوان کارگر از ناحیهٔ ارتجاع داخلی و قدرت‌های امپریالیستی با دشواری‌های بزرگی روبه روست. تسلط تولید فئودالی و ما قبل فئودالی و ارزش‌های اجتماعی مربوط به آن وضعیت عمومی کشور را به رکود مواجه ساخته است.

در اثر عوامل مشخص، فرهنگ عمومی کشور ما محتوی انقلابی ندارد و روحیه انقلابی توده‌ها کوبیده شده است. ملیت‌ها و اقوام و مذاهب موجود در وطن واحد ما از همدیگر دور نگه‌داشته شده‌اند. خصومت‌های ملی، قومی و مذهبی هنوز پا برجاست. عدم سابقه مبارزه وسیع سیاسی و عدم تجربه عمیق سیاسی بخشی نسبتاً بزرگی نیروهای جوان سیاسی را خام و سطحی بار آورده است. این است بخشی از وضعیت کشور ما از دید گاه جنبه خاص و پهلوی پیچیده.

شناخت صحیح: اکنون باید دید کدام جنبه و پهلوی شناخت صحیح است. هر کدام این دو پهلو و دو جنبه به‌تنهایی ناقص و نادرست است، مطلق ساختن یکی آن‌ها اشتباه است. **مطلق ساختن جنبه عام و پهلوی روشن به ماجراجویی و چپ روی، دگماتیزم و ساده شمردن قضایا می‌انجامد؛ در حالی که مطلق ساختن جنبه خاص و پهلوی پیچیده به نقطه پاسیفیزم، شکاکیت غیراصولی و لاادری گری «تسلیم طلبی و اپورتونیزم می‌رسد.** این دو پهلو و دو جنبه در حالی که یکی نیستند، مکمل یکدیگرند. (ما در جامعه خود عناصری را می‌شناسیم که با نوسان شان در بین این دو جنبه شناخت موقف‌های متضاد گرفته‌اند. این عناصر روزگاری با مطلق ساختن پهلوی روشن و جنبهٔ عام شناخت در موضع ماجراجوئی و اخلالگری قرار داشتند و از دهن‌های‌شان «قیام مسلحانه» و «مبارزهٔ قهر آمیز» می‌بارید. بعداً این عناصر از تجربیات شان انتباه نادرست گرفتند و پهلوی خاص و جنبهٔ پیچیدهٔ قضایا را مطلق ساختند. در نتیجه ناگهان «واقع بین (!)» شدند، بعض ماسك دموکرات به چهره زدند، عده‌یی به بورژوازی ملی بدیل شدند و عده‌یی که «با شهامت تر (!)» بودند پست‌های عالی دولتی را گرفتند و از مردم «حق ناشناس (!)» روی برتافتند.

شناخت تکتیك و استراتیژی: مبارزه سیاسی عملیه‌یی است که عمدتاً دو بخش را در بر می‌گیرد: تکتیك و استراتیژی، تکتیك و استراتیژی زادهٔ شناخت است، شناخت صحیح ضامن پیروزی مبارزه سیاسی است.

به‌صورت مشخص‌تر می‌توان گفت که تکتیك و استراتیژی هر کدام با یك پهلوی شناخت ارتباط قایم می‌کند؛ بدین معنی که تکتیك بر جنبه خاص و پهلوی پیچیده شناخت و استراتیژی بر جنبه عام و پهلوی روشن آن بیشتر متکی‌ست، یعنی در تکتیك جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیده و در استراتیژی جنبهٔ عام و پهلوی روشن بیشتر بها داده می‌شود از همین جاست که گفته می‌شد: «در استراتیژی یك نفر خودی در برابر ده نفر دشمن، اما در تاکتیک ده نفر خودی در برابر یك نفر دشمن» و این سخنی است درست با اتکاء بر هر دو پهلوی شناخت.

یك سازمان سیاسی مترقی باید مبارزه خود را متکی بر هر دو جنبه شناخت بسازد؛ **زیرا پهلوی روشن و جنبهٔ عام شناخت نیروهای پیشرو را امید و قوت و جهت می‌بخشد و ظفرمندی توده‌ها و سازمان‌های شان را مسلم می‌سازد؛ در حالی که جنبه خاص و پهلوی پیچیده شناخت احتیاط، دقت نظر، ژرف نگری، انعطاف پذیری، اجتناب از هر گونه چپ روی و ماجراجویی و ارزیابی‌های درست را تأکید می‌کند، پهلوی روشن شناخت نیروهای مترقی را الهام می‌بخشد و به جلو میراند؛ در حالی که پهلوی پیچیده همچون چراغ رهنما آنان را از هر گونه لغزش و انحراف به چپ و راست باز می‌دارد،** این بخش مبارزه سیاسی (تاکتیک‌ها) برای آنانی که قادر به درک پهلوی پیچیده زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی کشور ما نیستند و پهلوی روشن این زمینه‌ها را مطلق ساخته‌اند برای آنانی که مبارزهٔ سیاسی را به حیث یك کل روی جنبه روشن شناخت بنا کرده‌اند، غیرقابل فهم است. ازین رو نابخردانه بر تاکتیک‌های خلاق و مطابق با عینیت مهر ریزیونیزم، سازشکاری، راست روی، انحراف از اصول، تسلیم طلبی و مانند این‌ها را می‌زنند. **اشتباه این دسته‌ها و عناصر درین است که شناخت شان از واقعیت ناقص است و گناهشان درین است که شناخت درست جریان اصولی را در عرصه ملی و بین‌المللی با کله‌شخی تمام نمی‌پذیرند.**

ما چه میگوییم؟ درین جا موضوع بسیار عمیق و وسیع فلسفی در مقام ارتباط با سیاست و مبارزه سیاسی خیلی فشرده و مؤجز بررسی و تحلیل شد. مراد ازین بررسی این بود تا شناخت خود را، اصول شناخت خود را، شرح کرده مبارزه انقلابی خود را مفهوم سازیم؛ زیرا امروز یک عده محدود و منفرد از خلق؛ پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان را به نسبت تاکتیک‌های خلاق، عمیق، پیچیده، انعطاف پذیر و مطابق با عینیت آن، با عنوان‌های گوناگون ریوزینیست، سازشکار، ریفورمیست و مانند این‌ها می‌کوبند (!) اگر چه این لاطایلات دیگر تأثیری بر مردم ندارد و خلاف آن در عمل ثابت شده است؛ با آن‌هم بار دیگر کلیت مبارزه خود را صریحاً یادآور می‌شویم.

ما به پیروزی توده‌های افغانستان و به نابودی استبداد، ارتجاع و استثمار ایمان داریم. ما ایمان داریم بر اینکه سرانجام رستاخیز توده‌ها فرامی‌رسد، خورشید خشم خلق‌ها طلوع می‌کند و یخبندان پلید استثمار و بهره کشی را یك جا با شب سیاه نظام طبقاتی می‌گدازد و نابود می‌سازد. نیروی عظیم قدرت شکن خلق پیکره‌های ستم را درهم می‌شکند و آذرخش انتقام طبقاتی توده‌ها درخت سال خوردهٔ نظام طبقاتی را خاکستر می‌سازد. آنگاه انسان شریف و زحمت کش قدرت را به دست می‌گیرد؛ ولی نه برای اینکه انسان دیگر را بیازارد، بلکه برای اینکه زندگی واقعاً انسانی بر ای او فراهم سازد.

اما این هدف است. حالان که قضیه پهلوی تاریك مغلق و پرپیچ و خم هم دارد: راه رسیدن به این هدف دشوار است. مبارزه صحیح و اصولی می‌خواهد، مبارزه پیگیرانه می‌خواهد، فدا کاری می‌خواهد، خرد می‌خواهد، حوصله می‌خواهد، **احساسات گرم انقلابی جمع مغز سرد می‌خواهد.** به یك سخن این راه پیچیده و دشوار تاکتیک‌های خلاق و پیچیده می‌خواهد که سازمان سیاسی مترقی و نهضت را از تاریکی به‌روشنی می‌کشد. این است دیالکتیک پهلوی‌های متضاد شناخت اجتماعی و اقتصادی و رابطهٔ آن‌ها با تکتیك و استراتیژی در چارچوب مبارزه سیاسی.

(مهر بخش)

(از ص اول)

بیستمین سالگرد جمهوری ...

می‌کنیم. همچنان از مبارزات خلق عرب به خاطر حقوق از دست رفته‌شان طرفداری می‌نماییم.»

او گفت: «روابط ما با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مستحکم‌تر رشد می‌یابد. سیاست خارجی ما بر اساس مسالمت آمیز پیش می‌رود.»

لیونید بریژنف منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در این مراسم اشتراك نموده بود، طی سخنرانی مفصل و طولانی از نقشی که جمهوری دموکراتیک آلمان در عمر بیست ساله خویش در سر نوشت ملت آلمان و اروپا بازی نموده است ستایش نمود. وی گفت: «که زمان بهترین قاضی است، بیست سال گذشته نشان داد که حیثیت جمهوری دموکراتیک آلمان روبه افزایش است. در آلمان شرقی سیستم سوسیالیستی استقرار یافته است. قانون اساسی سوسیالیستی با اکثریت عظیمی طی یك استصواب رأی تصویب گردید. جمهوری دموکراتیك آلمان، آلمانی‌ست که در آن اندیشه‌های تفوق نژادی و ملیتاریزم به‌طور قطع ریشه کن شده است. سیاست عدم شناسایی آلمان دموکراتیك دیگر مسخره گردیده، و کشورهای زیادی با جمهوری دموکراتیك آلمان روابط دیپلوماسی برقرار خواهد نمود:»

لیونید بریژنف راجع به سیاست اتحاد شوروی در اروپا گفت که: «ما طرفدار همزیستی مسالمت آمیز بین دولت‌های دارای سیستم‌های اجتماعی مختلف می‌باشیم، ما مخالف تقسیم اروپا به دو گروپ نظامی متضاد هستیم...»

لیونید بریژنف از اینکه پیشنهاد مربوط به پرابلم‌های صلح و امنیت اروپا در هر جا با عکس‌العمل مساعد مواجه گردیده است، اظهار رضایت نمود. رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار اطمینان نمود که جامعهٔ دولت‌های سوسیالیستی نیرومندتر خواهد گردید و همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی بین آن‌ها بیشتر رشد خواهد نمود. تمام تلاش‌های دشمنان سوسیالیزم به خاطر از بین بردن وحدت کشورهای سوسیالیستی به ناکامی منجر خواهد شد.

* * *

جمهوری دموکراتیک آلمان در سایه نظام نوین اجتماعی و پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و صلحجویانه خویش در مدت کوتاه بیست سال موجودیت خویش باوجود مشکلات فراوان و خرابی‌های زیاد ناشی از جنگ دوم جهانی و توطئه‌های امپریالیزم به ترقیات زیادی نایل گردیده است. تولیدات صنعتی آن در مقایسه با سال ۱۹۴۹ پنج برابر شده است و از نظر حجم تولیدات صنعتی در جهان مقام «هشتم» را دارد. زراعت در آلمان دموکراتیك تقریباً ماشینی شده و (۹۰) فیصد توسط ماشین صورت می‌گیرد. در بیست سال گذشته در آلمان شرقی یکصد هزار کتاب طبع شده، میزان تولید برق ده روزه در جمهوری دموکراتیك آلمان برابر با یکسال تولید برق در سال (۱۹۴۹) می‌باشد، این کشور با یکصد کشور جهان مناسبات تجارتی دارد. در آلمان شرق (۸۸۷) سینما، و (۹۷) تیاتر وجود دارد و از نظر تلویزیون در اروپا مقام چهارم را دارد.

منافع صلح جهانی، مصالح عالیه ملی مردم افغانستان و سیاست همزیستی مسالمت آمیز ایجاب می‌نماید که هر چه زودتر دولت جمهوری دموکراتیك آلمان به رسمیت شناخته شود و با آن کشور مناسبات همه - جانبه برقرار گردد.

(از ص اول)

بازهم اعتراف به وضع نابسامان اقتصادی کشور

جملات بیانیه به‌درستی مراعات نگردیده است. واقعیت سرسخت موجود در جامعه حکم می‌نماید که هنوز رکود کامل نه تنها در اقتصاد فوق‌العاده ناتوان کشور حکمفرماست، بلکه روز تا روز حالت بحرانی پیدا می‌نماید. در قبال این واقعات بناغلی وزیر پلان نیز ناگزیر است پس از ادعاهای فراوان در مورد «ازدیاد سطح تولیدات ملی و ازدیاد در عاید ملی...» اعتراف نماید که ...« به‌صورت مشخص تولید زغال سنگ و لاجورد کمتر است، در تولید انرژی مخصوصاً توزیع آن بنا بر یك سلسله عوامل تخنیکی کدام تغییر قابل ملاحظه صورت نگرفته... »«سمنت نسبت به اینکه سال گذشته در اثر عدم امکان فروش ذخایر زیاد باقی مانده بود در سال ۱۳۴۷ نسبتاً کمتر تولید شد... فابریکه سمنت جبل‌السراج متأسفانه هنوز به تولید مجدد آغاز نکرده ...«تولید نساجی نخی بنا بر کمی مواد خام ماحصل سال ۱۳۴۶ و پاره عوامل اجتماعی در سال ۱۳۴۷ بیست و پنج فیصد) کمتر شده...» تولید شکر کمتر قناعت بخش بوده و تقریباً ۲۵ فیصد تنقیص در آن رخ داده است، اگر تجدید نظر اساسی در تدویر آن نشود سال آینده نیز بهبود در تولید شکر متصور نخواهد بود.»

این اعترافات در زمینه وضع نامساعد عمده‌ترین اقلام تولیدات معدنی و صنعتی کشور که ستون فقرات صنایع فوق‌العاده ضعیف و کم رشد افغانستان را در وضع کنونی تشکیل می‌دهد خود بر رد ادعاهای مبنی بر «ازدیاد سطح تولیدات ملی» در ظرف سال گذشته و «رفع رکود اقتصادی» حکم می‌نماید

آنچه مسلم است اینکه افغانستان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی فوق‌العاده عقب مانده و آهنگی رشد اقتصادی آن به نحو وحشتناکی کند است که هر گاه وضع بد ین منوال ادامه یابد، نمی‌توان انتظار داشت طی سالیان زیادی حد اقل رشد اقتصادی نصیب جامعهٔ ما و خلق افغانستان گردد، مگر اینکه با سرعت و صحت ممکنه نظام اقتصادی اجتماعی نوین و مترقی جایگزین نظام اقتصادی - اجتماعی فرتوت کنونی گردد.

هدف آشنایی با پرچم مبارزه را به زبان ساده ارائه دهد

جوانان مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان

در برابر ادعای څارنوال در محکمه ابتدائیهٔ کابل از خود دفاع می‌نمایند

تذکر:
دفاعیهٔ رفقای جوان و مبارز ما (وکیل، نجیب، اسمعیل) دارای دو بخش است. یکی مقدمه عمومی در برابر ادعای عمومی څارنوال که به‌صورت عمومی علیه ایشان وعده دیگری از زندانیان سیاسی به عمل آمده است درین مورد هر سه تن از رفقای جوان ما متحد، در چوکات یك متن واحد از خود و جریان خویش دفاع نموده‌اند. بخش دوم دفاعیه‌های جداگانه این سه جوان محصل می‌باشد که به‌صورت مشخص اتهام نادرست و ضد قانونی څارنوال را در مورد شخص، خود رد کرده‌اند.



مقدمه عمومی:
ف، ع، ص رئیس و اعضای محترم دیوان حقوق عامه ولایت کابل!
از آن جایی که بناغلی محمد امین نیازی مساعد اول څارنوالی ولایت کابل طی مقدمه دعوی ناشیانه خویش در جمله سایر اشخاص اسمی از ما نیز برده است ناگزیر به رد مطالب جملات و کلمات مقدماتی موصوف که دور از واقعیت و بدون احساس مسؤولیت وعدم درک درست از توجیه ارزش‌های قانون اساسی اظهار گردیده است می‌پردازیم:
بناغلی مساعد اول ضمن جملات و مفاهیم بی‌ربط و بی‌پایه مقدمه دعوی و بنا بر دستور خصمانه، من‌جمله می‌گوید: «اوراق دوسیه نسبتی مظاهره‌چیان که خلاف قانون به یك بی‌نظمی مطلق و اخلال امنیت منطقه و زدوخوردهای بی‌مورد اقدام... الخ » اولاً باید از بناغلی مساعد اول پرسید که منظورش از «بی‌نظمی مطلق» چیست؟
استعمال کلمه «مطلق» در شرایط عادی کنونی برای به‌اصطلاح «بی‌نظمی» که گویا در اثر مظاهرات به وجود آمده باشد، آشکارا غیرواقعی غیر مسؤولانه است. «بی‌نظمی مطلق» آنست که وضع طوری بحرانی و درهم ریخته گردد که تقریباً امکان اعاده اداره حکومت برای یک مدت از بین رفته باشد. ثانیاً اینکه به‌اصطلاح «اخلال امنیت» اکنون به‌طور عام به مورد و بی‌مورد استعمال می‌گردد و تجربه نشان داده است که اخلال امنیت از یکسو در اثر برخورد نادرست اداره ناسالم که شخص رئیس حکومت نیز بدان معترف است و از سوی دیگر در نتیجه مداخلهٔ نادرست قوای امنیتی حکومت در جریان مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز و همچنان در اثر اعمال اخلالگرانه فتنه گران در جریان مظاهرات به وجود می‌آید. استعمال کلمات چون «سرغنه و محرکین درجه اول، نمی‌تواند هیچگونه مصداقی در مورد آن محصلان و شاگردان که غرض تأمین برخی از خواست‌های صنفی‌شان و دفاع از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی دست به مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز زده‌اند، داشته باشد. ما در مورد خود به‌هیچوجه نمی‌توانیم استعمال این اصطلاحات را بپذیریم.
هنگامی‌که محصلان و شاگردان به‌صورت دسته‌جمعی برای تأمین خواست‌های صنفی و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خود مطابق به ارزش‌های قانون اساسی به‌طور آگاهانه و شعوری دست به اعتصاب یا مظاهره می‌زنند آنگاه «سرغنه و محرك» نمی‌تواند موضوع بحث باشد.
اینکه بناغلی مساعد اول در دعوی خود مدعی‌ست که من‌جمله محرك بودن ما «مستدل به دلایل اثباتیه جرم... که مشتمل بر جمع آوری استدلالات و آثار و شواهد مثبته موظفین مأمورین ضبط قضائی » است، به‌صورت قطع نمی‌تواند «استدلالات!» پولیس را که به حیث مأمورین ضبط قضایی معرفی شده‌اند، برای متهم ساختن ما و آن عده محصلین وطن‌پرستی که ما می‌شناسیم، بازهم صحیح و درست باشد زیرا بارها به ملاحظه رسیده که بنا بر درك و معلومات غلط و اطلاعات ناقص توسط این‌گونه اشخاص «موظف» که غالباً فاقد معلومات و بسیار بی سویه‌اند و معتاد و وابسته به اداره استبدادی‌اند و اصلاً به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی عقیده ندارند و خود محصول اداره استبدادی می‌باشند، عادت دارند که طبق خصلت خویش دوسیه سازی کنند و بالای وطن‌پرستان، آزادی خواهان و تحول طلبان و عناصر مترقی کشور اتهامات نادرست وارد نمایند. سپس در مقدمه ادعا نامه بناغلی مساعد اول مطالبی اظهار گردیده است که از روی آن‌ها به‌درستی می‌توان به نیات قبلی بناغلی موصوف در برابر روشنفکران وطن‌پرست کشور و ادعای قبلی‌ای که در این زمینه دارد پی برد. نامبرده قبلاً می‌گوید: «از دو سه سال به این طرف بعضی از طبقات که خود را روشنفکر دانسته بدون اینکه تمام وجایب قانونی، فردی و اجتماعی را در نظر بگیرند به خودسری‌ها و عدول از حدود قانون شروع و هدایت قانون اساسی را غلط مطابق مقاصد و مرام ناجایز خود تعبیر نموده...» این اظهار نادرست بناغلی مساعد اول گواه بر آنست که نامبرده قبل از همه از درک این مسأله عاجز است که روشنفکران خود قشری و صنف معینی از جامعه بوده، خود و همکارانش نیز بفهمند یا نفهمند من‌حیث ماهیت خویش متعلق به این قشر می‌باشند، ولی به این فرق که ایشان در موضع دفاع از منافع محافل حاکمه قرار دارند و روشنفکران وطن‌پرست و مترقی در موضع دفاع حقوق و آزادی‌های مردم کشور خویش واقع‌اند. آنچه را می‌توان از این گفته بناغلی مساعد اول استنباط کرد اینست که وی تمام روشنفکران را بدون تشخیص مرتجع و مترقی وطن‌پرست و غیر وطن‌پرست، اصولی و غیراصولی محکوم کرده و هر گونه اعمال و مبارزات اجتماعی و فعالیت‌های ایشان را «عدول از حدود قانون» و مبنی بر تعبیر «غلط مطابق مقاصد و مرام ناجایزشان خوانده است. در حالی که اگر اندکی بگفتهٔ خود متوجه می‌بودند واضح می‌گردید که این اوست که مواد قانون اساسی را برای منظور خاصی نادرست تعبیر کرده و آنانی را که می‌خواهند با استفاده از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی برای بیداری مردم و دفاع از حقوق اویشان، برای بهتر شدن زندگی فلاکت‌بار اکثریت ملت افغانستان، - به خاطر تأمین و تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی افغانستان و در راه با تأمین دموکراسی و ترقی اجتماعی و دفاع از وطن مقدس مان افغانستان مبارزه می‌نمایند، محکوم می‌کند و به تعبیر غلط مواد قانون اساسی - مطابق مرام و مقاصد خصوصی ملزم قرار می‌دهد. باید گفت تعبیر درست از مواد قانون اساسی اینست که - به‌منظور «تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگی ملی»، «تأمین عدالت و مساوات» و «تطبیق دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» ما «تأمین آزادی‌های مردم»، «رفاه خلق کشور»، «تشکیل یك جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ به کرامت انسانی»، مردم افغانستان است مبارزه صورت گیرد.
بناغلی مساعد اول توجه نمایند که آنچه در بالا گفته شد در مقدمه قانون اساسی آمده است که خود راهنما برای درك و تعبیر صحیح مواد مندرج در قانون اساسی می‌باشد که به تأسی از آن مواد مربوط به فصل حقوق و وظایف اساسی مردم قانون اساسی بهترین مفسر و مبین آن است و که مطابق به احکام آن مردم افغانستان حق دارند تا از حقوق و آزادی‌های آن آزادانه استفاده نمایند.
تا آنجائی که بما مربوط است کوشیده‌ایم تا با استفاده صحیح و معقول و متناسب به شرایط از مقدمه قانون اساسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی کشور و در شرایط کنونی با در نظر گرفتن اصول و مرام نجات بخش ملی و دموکراتیک خویش بر مبنای دانش مترقی در راه نجات خلق رنجدیدهٔ افغانستان از فلاکت و بدبختی مبارزه نماییم.
مبارزات ما مبتنی بر علم پیشرو، سرشار از احساس وطن‌پرستی، عشق به تمام خلق و وطن پرافتخار و محبوب ما افغانستان به غرض ترقی اجتماعی، به خاطر بیداری و رهایی و سعادت توده‌های زحمتکش و تحت ستم خلق کشور که اکثریت عظیم ملت افغانستان را تشکیل می‌دهد بوده است، که درین امر به‌صورت قطع هیچگونه غرض شخصی نه دخیل بوده و نه می‌تواند دخیل باشد.
بنابراین به‌صراحت میگوییم که این ما نیستیم که مواد «قانون اساسی را غلط مطابق مقصد و مرام ناجایز خود تعبیر نموده» باشیم، بلکه این بناغلی مساعد څارنوالی است که چنین غلط علیه ما اقامه دعوی می‌نمایند و از مبارزات وطن‌پرستانه و شجاعانه ما که به‌صورت مشخص و آشکار در روی اخبار ما «پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان» انعکاس می‌یابد. تعبیر نادرست می‌نمایند و آن را «مرام شخصی و ناجایز» می‌پندارد.
قضات محترم توجه خواهند فرمود که بناغلی مساعد اول چگونه بی مسؤولیت کلماتی از قبیل «تعبیر غلط قانون اساسی، ناجایز، خودسری‌ها، تحریکات، تولید تشنجات و ناآرامی‌ها و غیره» را استعمال نموده است، بازهم اگر نامبرده درین مورد پافشاری دارد. پس ثابت نماید که چگونه مبارزات، (تا آنجائی که ادعا در برابر ما باشد) ناجایز می‌باشد؟؟ و چطور به غرض «مرام ناجایز خود » مواد قانون اساسی را غلط تعبیر کرده‌ایم؟؟
بناغلی نیازی در دعوی خود علیه ما به چند ماده قانون اساسی استناد می‌نماید و ادعا دارد که گویا ما (تا آنجائی که بما مربوط باشد) خود را به مواد ۲۶، ۳۴ و ۹۴ و غیره قانون اساسی مقید ندانسته‌ایم. درین: موارد به‌جز اینکه بگوییم یا نامبرده خودش مواد متذکره را مطالعه نکرده و یا از متن آن‌ها چیزی نفهمیده است؛ و باید گفت که ما نه تنها مواد متذکره را در نظر گرفته‌ایم بلکه از آن‌ها استفاده نموده و بر مبنای آن مبارزه کرده‌ایم.
چنانچه ماده (۲۶) حکم می‌کند «آزادی حق طبیعی انسان است، آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون و است و انفکاك نمی‌پذیرد، هیچ عملی و جرم شمرده نمی‌شود مگر به‌موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد،... الخ» و این می‌رساند که ادعای بناغلی نیازی چگونه مبالغه آمیز و افتراء آمیز و دور از واقعیت می‌باشد!!
تعجب آور است که در ادعانامه مدعی قید گردیده که از ماده ۳۲ قانون اساسی تعبیر ناصحیح صورت گرفته و گفته می‌شود که «به اساس آن به مظاهرات، اعتصابات ناجایز و خلاف قانون پرداخته‌اند، باوجودی که غیرقانونی بودن این مظاهرات چند بار از طرف مؤظفین حکومت اعلان گردیده و با وصف آن...» حالان که حکم ماده ۳۲ قانون اساسی کاملاً صراحت دارد و ضرورت به تعبیر نادرست مساعد اول نیست و اگر تعبیری صورت گیرد این است که مردم افغانستان حق دارند بدون اطلاع قبلی دولت برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز و بدون حمل سلاح اجتماع نمایند و به اساس همین اجازه قانونی بوده است که طی چند سال اخیر پس از انفاذ قانون اساسی - صدها اعتصاب و مظاهره به وجود آمد و اینکه بناغلی نیازی مدعی است و با وجود اینکه غیرقانونی بودن این مظاهرات چند بار از طرف مؤظفین حکومت اعلان گردیده» اولاً از طرف حکومت چنین اعلانی راجع به غیرقانونی بودن مظاهرات صورت نگرفته و ثانیاً اگر فرضاً صورت گرفته باشد خود غیرقانونی و متناقض با ماده ۳۲ قانون اساسی می‌باشد.

* * *

دفاعیه وکیل:

این قرار آتی دفاعیهٔ مشخص خود را علیه صورت دعوی فرمایشی مساعد اول څارنوال ارائه می‌دارم:
وکیل فرزند جریان دموکراتیك خلق افغانستان با کمال افتخار و جرأت بنا بر تشخیص وظایف و مسؤولیت عظیم خودها در برابر نهضت رهائی‌بخش ملی و دموکراتیک و مترقی وطن محبوب خود افغانستان بر رد افترائیه و اتهامات بی‌جهت، بی‌اساس، غیر مستند، فرمایشی و از خودساخته و پرداخته مساعد اول څارنوال پرداخته و یاد دهانی می‌کنم که این دفاعیهٔ من نه به خاطر ناشکیبائی و ندامت و عجز در برابر الزامات لا یعنی آقای مساعد اول څارنوال، بلکه برای دفاع از آرمان‌های عظیم خلق زحمت کش کشور ما که در برابر نسل ترقی‌خواهان مسؤولیت و وظایف جدی و سنگینی را قرار داده است محرک اصلی ترتیب آن می‌باشند.
لذا بدین جهت در متون دفاعیه من ته به‌جز منافع وطن و رهایی خلق دلیر و زحمت کش از وضع ناهنجار ما و فلاکت بار زندگی کنونی در چوکات یك افغانستان متحد، آزاد، مرفه، آباد، مترقی و خوشبخت چیزی مطمع نظرم نمی‌باشد؛ و روی این اصل است که اتهامات و الزامات آقای مساعد اول څارنوال را نه از دید گاه خودش بلکه از دیدگاه محافل و طبقات حاکم در افغانستان بررسی می‌نمایم، و باید متوجه بود که دفاعیه من هم مطلقاً از دید گاه منافع خصوصی خودم نه، بلکه از دیدگاه منافع خلق زحمت کش کشور که سال‌هاست رنج می‌برند، ستم می‌کشند و عملاً از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم‌اند، و حتی که خود حاضرم جانم را در راه رفاه و آسایش آن‌ها قربان کنم، مد نظر گرفته شود. نادرست نخواهد بود که بگوییم آقای مساعد څارنوال شما دشمنی شخصی با من نداشته، بلکه موقف شما حکم می‌کند که در موضع ضدیت با منافع خلق کشور، و همه نیروهای ملی و تحول طلب و مترقی کشور که در آخرین تحلیل منهم جزئی از آن‌ها هستم قرار دارید. ولی آقای مساعد څارنوال شما باید بدانید که نمی‌توانید مبارزین صدیق و وطن‌پرست را محکوم کنید زیرا کنون در ذیل از آغاز تا انجام صورت دعوی میان تهی و غرض آلود شما را با استناد مدارك و دلایل قانونی رد می‌نماییم.
۱- بناغلی نیازی مساعد اول څارنوال ولایت کابل در آغاز اقامه دعوی خویش علیهٔ من متذکر می‌گردد که من منسوب به جمعیت پرچم می‌باشم و بدین‌وسیله خواسته است که نشان دهد گویا کشف بزرگی کرده است!!! قبل از همه باید بناغلی موصوف بفهمد که پر چم جمعیت نیست، بلکه جریده است، - جریده‌ای که ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد و این موضوع در پیشانی جریده پرچم در هر هفته با خط درشت نو شته می‌شود، بنا بر آن این حرف بناغلی نیازی نادرست است که من منسوب به جمعیت پرچم می‌باشم بلکه منسوب به جریان پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشم که پرچم ارگان نشراتی آنست و علناً مطابق به قانون به نشرات خود ادامه می‌دهد.
مدعی در اقامه دعوی‌اش به تناقض گوئی می‌پردازد که از یکطرف - مرا به «پرچم» منسوب و از جانب بر دیگر لاقیدانه اظهار می‌دارد که من در تمام مظاهرات شرکت کرده و به آن اعتراف نیز کرده‌ام، من از بناغلی نیازی می‌پرسم من که منسوب به «پرچم» هستم آیا پرچم تمام مظاهرات را که طی چند سال گذشته در کابل به وجود آمده است تائید کرده است؟؟ خودم پاسخ میگویم که نه چنین نیست! «پرچم»تا مظاهره‌یی را که به غرض فتنه‌گری و اخلالگری رخ داده است تائید نکرده و نتیجتاً من در آن اشتراك نداشته‌ام، از همین جاست که بناغلی مساعد اول متناقض حرف می‌زند و کلمه «تمام» را بدون سنجش و ملاحظه در مورد اشتراك من در مظاهرات بکار می‌برد و همین خود کافی‌ست که تمام ادعاهای نامبرده در مورد من رد گردد و مطابق به‌حکم مادهٔ () اصولنامه حقوقی محاکم عدلی دعوی متناقض قابل شنیدن نیست، ولی برای اینکه روشنی بیشتری بر موضوع انداخته شود اظهار می‌دارم که من در بسیاری از مظاهرات قانونی و مسالمت - آمیز بر طبق حکم ماده (۳۲) قانون اساسی در صف هم مسلکان و هم‌صنفان خویش شرکت داشته‌ام، منظور اساسی از اشتراک من در مظاهرات و مبارزه‌ام را عشق بی‌پایان به وطن و خلق رنجدیده افغانستان تشکیل می‌دهد و من نه‌تنها از اظهار آن ترسی ندارم بلکه بدان افتخار می‌نمایم، یعنی من بارها میگویم در مظاهرات اشتراك کرده‌ام و این اشتراک من به خاطر بیداری عمومی خلق کشور بود که تا تسلط مناسبات اقتصادی اجتماعی و نیروهای ارتجاعی را که مانع بزرگی در راه رشد و تکامل وطن گرامی ماست، افشا و برملا سازم.
فلهذا اشتراک کردن در مظاهرات اگر جرم است، این مطلب مربوط درایت جناب شما آقای مساعد اول څارنوال از ماده (۳۲) قانون اساسی می‌باشد.
من با کمال افتخار هم اکنون بیان می‌دارم که به حیث یك خدمت گذار خلق کشور خود در مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز اشتراک کرده‌ام تا وظیفه ملی و مترقی خود را در جهت تکامل نهضت دموکراتیك و مترقی و آزادی بخش کشور خود ایفا کنم و همچنان از هر گونه سازش کاری و تسلیم طلبی و حادثه‌جوئی و ماجراجوئی و پراگنده‌گی این موج نیرومند مبارزه را در امان دارم.
و بالاخره در مظاهرات به خاطر افشای دشمنان داخلی و خارجی وطن واحد ما افغانستان و منافع خلق افغانستان و پشتیبانی آن در برابر نفوذ هرگونه شیوه نوین استعمار و امپریالیسم که دشمن خلق، امنیت، تمامیت، رفاه و آسایش کشور ماست حصه می‌گیرم، و این همه مطالب است که یک فرد صدیق به وطن و خلق مطابق به شرایط عینی و ذهنی جامعه و تمنیات عصر و زمان باید چه در مظاهرات و چه در عرصه‌های دیگر مبارزه فعالانه حصه بگیرد.
اینك توجه جدی قاضی محترم دیوان امنیت عامه ولایت کابل را جلب نموده، خواهانم که از آقای مساعد اول څارنوال بپرسند که چطور به نظر آقای مذکور اشتراك کردن در مظاهرات جرم و خلاف قانون است.
مگر یك بار آقای موصوف بند اول ماده (۳۲) قانون اساسی را که می‌گوید: «اتباع افغانستان حق دارند برای تا مین مقاصد جایز و صلح آمیز بدو ن حمل سلاح مطابق احکام قانون و بدون اجازه قلبی دولت اجتماع نمایند» خوانده است یا خیر؟ پس اگر شما آن را مطالعه نموده‌اید تکلیف شما آقای مدافع قانون از قانون همین است که عکس آن می‌خواهید عمل کنید؟ و درست واقعیت هم همین طور نیست؟ آیا شما آقایان نبودید که در برابر من و یک عده از متهمین به تاریخ ۱۶/۵/۴۸ عمل نمودید؟ و خودسرانه و مغرورانه بنا بر حکم شما خلاف ماده (۱۱۲) فصل هفتم باب اول کتاب اول قانون اجراآت جزائی که تصریح می‌دارد: «توقیف هیچکس به‌جز در توقیف‌خانه جواز ندارد، به‌کلی مرتکب عمل ضد قانون نشده‌اید؟ و در جهت مخالف قانون رفتار ننموده و ما بیشتر از مدت تقریباً یك ماه نمی‌شود که در محبس عمومی دهمزنگ در حالت حبس، مدت توقیف خود را بسر می‌بریم؟؟؟

»باقی دارد«

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ګڼ خپرونکی

۲۱ میزان ۱۳۴۸

اهم اخبار هفته گذشته

هاوانا: داکتر کاسترو طی ملاقات با زندانیان برازیلی که چندی قبل با تعویض سفیر امریکا از حبس در مکزیك رها و فعلاً جهت بازدید دوستانه به هاوانا آمده‌اند اظهار نمود: کشورهای سوسیالیستی بما کمک‌های بسیار می‌کنند که جنبه حیاتی دارد. او گفت تا قبل از انقلاب تمام مراکز صنعتی کیوبا به دست امپریالیزم امریکا بود، مگر فعلاً تحت تصرف مردم کیوباست.

دهلی جدید: در مظفر نگار هند میتینگ بزرگی صد هزار نفری تشکیل شده بود. در میتینگ شعار داده می‌شد: کارگران و دهقانان با هم برادرند مرده باد نفاق اندازان - هندوها و مسلمانان دو ستان همدیگراند - از نفاق فقط ارتجاع نفع می‌برد.

درین میتینگی هندوها و مسلمانان و غیره شرکت داشتند.

مونتریال: در دومین شهر بزرگی کانادا مأموران آتش نشانی دست به اعتصاب زدند. از جمله سه هزار مأمور فقط ۴۰ نفر بالای وظیفه حاضر بودند.

همچنین دو صد تکسی ران نیز در مونتریال دست به اعتصاب و بعداً - دست به مظاهره زدند. در ضمن مظاهره زد و خورد شدیدی رخ داد و دو نفر کشته شدند.

نیویارک: یك تعداد زیاد نمایندگان سندیکای کارگری امریکا از حکومت - نکسن تقاضا کردند تا اقدامات جدی را جهت بهبود شرایط کار و ازدیاد دستمزدهای کارگران به عمل آورد.

واشنگتن: نکسن در مقابل تهدید کارگران راه آهن سرتاسری امریکا فیصله کرد تا ۲۰ فیصد حقوق کارگران راه آهن را افزایش بدهد و از اعتصاب عمومی جلو گیری به عمل به آورد.

نیویارک: چندین اتحادیه سیاه متن پوستان متحداً علیه سیاست تبعیض نژادی دست به مظاهره زدند.

لیما: رئیس جمهور پیرو در مناسبت اولین سال تأسیس رژیم در یک بیانیه رادیویی گفت: تأمین استقلال اقتصادی عمده‌ترین مسأله است که در برابر کشور قرار دارد.

بازگرفتن انحصار تولید نفت، مسأله اصلاحات ارضی، کنترول بر بانك مرکزی، اتخاذ سیاست آزاد و ملی از وظایف اصلی ما به شمار می‌رود. او گفت: دشمنان حقیقی ت مردم سرمایه داران نفتی خارجی و دوستان داخلی آن‌ها می‌باشد.

انقره: در ترکیه مبارزات انتخاباتی پارلمانی ادامه دارد. احزاب ترکیه نوین و جمهوری‌خواه خلق از مشی حزب عدالت حاکم در کشور شدیداً انتقاد نمودند. یوسف عزیز ذغلو از حزب ترکیه نوین اظهار داشت: مشی حزب عدالت با وضع کشور در تضاد است.

او گفت: اگر فقر در کشور برطرف نشود اوضاع بدتر به وجود خواهد آمد، نطاق حزب جمهوری‌خواه خلق گفت: سرمایه خارجی ابداً به پیشرفت ترکیه کمک نخواهد کرد.

نیویارک: نماینده سوریه در ملل متحد طی نامه‌ای از رویه فاشیستی اسرائیل در منطقه اشغالی سوریه به ملل متحد اعتراض کرده است. در نامه قید است که اسرائیل مردم را از منازل شان اخراج می‌کند و سپس آن را با خاک یکسان می‌سازد.

بیروت: وطن‌پرستان عرب به فعالیت وسیع علیه اشغالگران اسرائیلی آغاز کرده‌اند. پارتیزان‌های الفتح روز ۵ اکتوبر با هاوان بر یك اردوگاه اسرائیلی حمله بردند و تلفات بزرگی به اسرائیلی‌ها وارد شد.

تل ابیب: جراید اسرائیل خاطر نشان می‌سازد: مسافرت صدراعظم اسرائیل به امریکا موفقیت آمیز بود. امریکا مقادیر قابل توجه اسلحه به اسرائیل می‌دهد.

قاهره: جراید جمهوریت عربی متحد تحویل دادن طیارات فانتوم امریکایی را به اسرائیل از آنچه فیصله شده بود سریع‌تر می‌دانند. در یك هفته از چهار فروند طیار به پانزده فروند رسیده است.

درباره جنگ ویتنام

یك سناتور امریکایی تقاضا کرد تا حکومت نکسن جنگ پلید ویتنام را خاتمه بدهد. او از عقب میکروفون مجلس امریکا فریاد زد: «بگذار به این خونریزی‌ها تا قبل از ۱۹۷۰ خاتمه بدهیم و جوانان خود را در جشن جنوری در امریکا در آغوش خانواده - های آن‌ها به بینیم!» صدها جوان امریکایی ضمن مظاهره علیه جنگ ویتنام در یك لوحه نوشته بودند: «نکسن منتظر چه هستی، قول داده بودی که جنگ ویتنام را خاتمه می‌دهی پس خاتمه بده!» اعلان گردیده است که روز (۱۵) اکتبر در سرتاسر امریکا علیه جنگ ویتنام مظاهراتی برپا خواهد شد. اتحادیه معلمان درین مظاهرات شرکت خواهند کرد و گفته می‌شود در حدود یك ملیون نفر درین مظاهرات سهم خواهند گرفت.

****

خبرگزاری جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی اطلاع می‌دهد:

اشغالگران امریکایی مرتکب جنایات شرم آور دیگر به مقابل خلق ویتنام گردیدند، بدین تفصیل: چندی قبل وادی دریای میکانگ سیلی سرازیر شد. اردوی جبهه آزادی‌بخش ملی جهت کمك به آسیب زدگان بدان جا شتافتند و در مقابل جریان سیل موانع به وجود آوردند. مگر اشغالگران با تراکتورها آن موانع را از بین بردند و در نتیجه سیل داخل منازل ویتنامی‌ها شد و خسارات بزرگی بر مردم وارد آمد. در حدود پنجاه هزار نفر بی‌خانمان شدند.

بازهم عوام‌فریبی

چند سال قبل اداره‌ای در دستگاه حکومت افغانستان به نام «انکشاف دهات» به وجود آمد و صلاحیت‌ها و بودجه فراوان در اختیار آن گذاشته شد که با بکار بردن آن توأم با سوء استفاده‌های کلان و حیف و میل فراوان حر کات نمایشی صورت گرفت، سال‌های سال از تأسیس ریاست «انکشاف دهات» گذشت ولی حد اقل نتایج مطلوب متناسب با صدها ملیون افغانی مصارف آن به ملاحظه نرسید.

مقامات مسؤول (!) برای اینکه روی معایب این اداره (که البته معایب و نواقص اداری که به‌طور عام در تمام دستگاه اداره دولت در افغانستان معمول می‌باشد) به‌زعم خود پرده افگنند، چاره کار را در الغاء اداره مزبور و تعویض اسم آن یافتند، چنانچه عین وضع را در مورد الغاء رواست انحصارات دولتی و تشکیلات وسیع‌تر کنونی آن بنام‌های دیگر می‌توان دید، ولی در ماهیت کار و اجراآت معمول کدام تغییری که به نفع مردم باشد و یا در مصارف صرفه‌جوئی به عمل آید به ملاحظه نمی‌رسد.

مقامات مربوط اکنون که در یافتند. دگر نمی‌توان اهالی فقیر، رنجدیده دهات و روستاهای کشور را مانند سال‌های متمادی گذشته به نام «انکشاف دهات» و «پروژه‌های مفید و عام‌المنفعه آن» (که یکی از هزاران مشکل مردم را رفع کرده نتوانسته است) فریب دهند، حال باید نام آن را به «انکشاف محل» با اندکی آرایش و پیرایش جدید در شکل تعویض کنند و با راه انداختن تبلیغات فراوان در اطراف آن ایشان را بازهم برای مدتی سر گرم سازند.

از امر الغاء ریاست انکشاف دهات و تصفیهٔ امور آن اکنون ماه‌ها می‌گذرد و با وصف اینکه میعاد برای تحویل گیری کار، سامان و تصفیه امور اخیر سرطان تعیین گردیده بود، ولی هنوز قسمت کوچک کار هم درین زمینه انجام نگردیده است، هذا یك تعدد مأموران پائین رتبه که بیکار اند مجبور هستند به کارهای بسیار عادی و غیرمثمر وقت بگذرانند و یا از فرط خستگی ناشی از بیکاری مطلق روزها را پشت میزهای دفاتر چرت بزنند و به خواب روند؛ اما مأموران با نفوذ و عالی‌رتبه که کرسی‌های بلندتر و امتیازات بیشتر انتظارشان را می‌کشید و آینده‌های درخشان (!) در پیش دارند، مشغول استفاده از آخرین بقایای این خوان یغما هستند از موترهای بی‌شمار دولتی و بودجه آن خود و خویشاوندان شان بی‌دریغ استفاده می‌کنند، به دو ستان بورس‌های تحصیلی اعطاء می‌فرمایند و غیره. مأموران پائین رتبه و مستخدمین ریاست «انکشاف دهات» که تعدادشان به ۳۲۰۰ نفر می‌رسد در باره سرنوشت تاریك آینده خود و خانواده‌های بینوای خویش می‌اندیشند.

معلوم می‌گردد که صحنه اول ا نمایشنامه‌یی بنام اغفال مردم به‌خصوص روستائیان تهیدست و زحمتکش کشور در وجود «انکشاف دهات» و اجراآت و فعالیت‌های آن به پایان رسیده است و صحنه دوم که عبارت از الغاء این اداره، تقسیم کارهای آن به وزارت خانه‌های مربوط ایجاد اداره «انکشاف محل» باشد بروی صحنه می‌آید تا دیده شود که در صحنه‌های بعدی چه بازی‌های عوام‌فریبانه دیگر صورت خواهد گرفت.

(ع، ا)

د سین سرود

پیری پیری تیری شوی او دا مغرور سین د هندوکش په تاو را تاو درو کی خپله انقلابی حماسه بولی:

»تل به زما په څپو کی د خوځیدو، منډی او یر غل قوت ژوندی وی، زه د سمندر د څپو ټکرو او د لمر وړانګو زیړولی یم، زه د زورورو او سترو توفانونو په زانګو کی روزل شوی یم، ما ته تالندی، بریښنا او یاغی بادونو للو ویلی ده.

ما د سمندر په تیارو تلو کی له نهنګانو او سترو کبانو سره لوبی کړیدی او د آزادو سیلیو تر بولی لاندی می په ساحلی غرونو، کمرونو او خنګلونو سره غیږی نیولی دی.

زه د استوا ګرمیو او د قطب یخنیو ازمویلی یم.

ما د توفان په منګولو کی زړور مانوګان لیدلی دی چه څ نګه د وحشی او قهرجنو څپو تر یرغل لاندی په سره سینه د خپلو هدفونو خوا ته خوځیږی،

ما د پرمختلونکی انسان د زړه قوت او د سترګو بریښنا ازمویلی ده،

داسی انسان تر ترړمی او توفان یر پیاوړی او تر بریښنا او تندر خورا چټك دی.«

* * *

»زه د ګړندیو وریځو په وزرونو باندی له هوارو سمندرونو نه د لوړ هندوکش څوکو ته را وختم، دلته می د وریځو له مستی، د بادونو له نڅا، د باز له ګړندیو جګیدو او د سیلاب له هیبتناکو کوزیدو نه نوی حماسه زده کړه،

زما د دی حماسی قهرمان هماغه زړور او پا برجای انسان دی- کوم چه واورو، بادونو او سیلابونو را چارپیر کړی، مګر سر نه ټیتوی! او نه تسلیمیږی.

زه له همدی انسان نه الهام اخلم او په نا ازمویلو لارو، کمرونو او درو کی لار وهم د بحر خواته خوځیرم.

زه قدم په قد خپله حماسه تکراروم، باید د سیندونو او غرونو حماسه یوشی.

باید ټولی سندری، ټول سرودونه او ګردی حماسی یو شی،

باید ټول مقدس غضبونه، ټولی کوکی او فریادونه، ګردی څپی او درست توفانونه سره یو شی او په ګډه د نوی، زړور او انقلابی انسان د زغم، جرأت او پرمختللو حماسه بشپړه کړی.

زه د څپو، توفانونو، ځغاستو او ژوند ستا ځی یم،

ځکه د آزاد انسان د خوځیدو، پرمختګ، یرغل او رزم حماسه بولی،

غر او هواره، سین او بحر، باد او باران... دا ټول د زیارایستونکی انسان د سترې جګړی حماسه بولی.

د انسان هڅه او جګړه، د انسان تکل او یرغل، د انسان ژوند او هدف تر ټولو لوړه حماسه او تر هری سندری ښکلی سندره ده، او زه به تل دا سندره ژوندی او سپیڅلی وساتم!«

«سلیمان لایق»

د پکتیا د خلکو مسائل باید سم حل شی

له څو کلونو راهیسی، د پکتیا د ارګون د لویی ولسوالی د مارزکو د کلی د خروټو او ځدرانو ترمینځ د یو ځنګله په سر شخړه روانه ده. د دی شخړی په نسبت هر کال د خروټو او ځدرانو وروسته تر مینځ د قتل، ټپی کیدو او وینو توئیدو پیښی مینځ ته راځی.

سږ کال بیا ددی شخړی ټپیان د کابل روغتونونو ته راورسیدل او د کسات اور یی لا د زیارایستونکو خروټو او ځدرانو تر مینځ تیز کړ.

د دی شخړی د دوام اساسی علت دا دی چه دولتی مسؤولین هلته مؤثر او لازم اقدام نه کوی. دوی هغه د وخت پدی پیښو باندی ځا ن خبروی چه د شخړی اور ښه تازه شوی وی او خلکو سره وژلی یا ټپیان کړی وی. او وروسته تر پیښی بیا هم د حل سمه لار نه غوره کوی او فقط یو څو لوټی ږدی او تر اوبو پو ری وزی.

د سږکال او پروسږکال پر له پسی پیښی دا ښیی چه پدی مسأله کی د دولت د موظفو کسانو اقدامات ډیر سطحی، بی‌اساسه او غیر مقتضی اقدامات وو. او دا ځکه چه پخوانیو اقداماتو د خلکو د مخالفت او شخړو مخه ونه نیوله.

سږ کال حکومت په دی با ره کښی یوازی د دواړو خواوو د څو تنو په نیولو او بند ی کولو اکتفاء وکړه ګواکی ویی غوښتل چه د بند او زندان په زور په دواړو خواوو باندی امنیت (!) او سوله تحمیل کاندی. خو حقیقت دادی چه سوله، امن، ورور ګلوی او ملګرتیا د زور او زندان په واسطه نشی تأمینیدلای بلکه د هغوی د تأمین یوازینی لاره داده چه د شخړو او دښمنیو اساسی عوامل له مینځه ولاړ شی.

مور له مربوطو مقاماتو څخه په کلکه غوښتنه کوو چه د پکتیا په ولایت کې د اختلافاتو د حل اساسی لاری تعقیب کاندی او داسی موجبات له مینځه یوسی چه د پکتیا زیارایستونکی او شریف خلك پخپلو مینځو کی سره جنګوی او د دوی تر مینځ د اختلافاتو او کرکی اور بلوی»

«م.هـ»

«سیوز ۶» به فضا پرتاب شد

تاس اطلاع داد که اتحاد شوروی به تاریخ ۱۱ اکتوبر سفینهٔ فضایی «سیوز -۶» را که حامل دو نفر کیهان نورد بنام گیورکی شونین و والری کوباسوف می‌باشد به فضا پرتاب نمود. کپتان سفینه «سیوز ـ ۶» شونین می‌باشد و کوباسوف وظیفهٔ انجنیری پرواز را به عهده دارد.

سفینه به ساعت ۱۴ و ۱۰ دقیقه وقت ماسکو شروع بحر کت نمود و به مدار معینه قرار داده شد. فشار، درجه حرارت، رطوبت و ترکیب گاز در کابین «سیوز ـ ۶» مطابق به شرایط زمین می‌باشد عملهٔ سفینه - به فعالیت‌های اکتشافی و آزمایش‌های خود آغاز کردند.

در پروگرام کار سفینه از جمله دیگر چیزها ولدنگ کاری فلزات در شرایط خلای عمیق و بی‌وزنی شامل می‌باشد.

کپتان سفینه قبل از پرواز به‌سوی کیهان اظهار داشت که سفینه «سیوز - ۶» اکتشافاتی را که توسط سفاین «سیوز- ۳» و «سیوز ـ ۴» و «سیوز ـ ۵» آغاز گردیده ادامه خواهد داد. وی مزیداً اظهار داشت هر سفینه که به فضای خارجی پرتاب می‌گردد محصول کار خلاق دانشمندان، طراحان انجنیران و کارگران ایجاد کنندگان تمام سفاین کیهانی می‌باشد.

زندانیان چگونه می‌میرند!

زندانیان تیره بخت شبرغان مرکز ولایت جوزجان که مانند تمام زندانیان کشور در تحت شیوه‌های استبدادی قرون وسطایی بسر می‌برند، علاوه بر تحمل دشواری‌های فراوان رنج و مرارت گرسنگی، حقارت‌ها، اهانت‌ها، شرایط کاملاً غیر صحی و زندگی در دخمه‌های تاریك و کثیف ضد سلامت بشری در نتیجه محیط متعفن و کثیف زندان، لباس‌های بدن‌های چرکین زندانیان اخیراً مورد ا تهاجم میکروب‌های بی‌رحم حمای لکه دار قرار گرفته‌اند. در یك مدت کوتاه چندین تن از زندانیان به این مرض ساری خانمان‌سوز مبتلا و نیمه جان به شفاخانه فرستاده شدند. ولی بدون تداوی برای اینکه از آبروریزی (!) مقامات مربوط جلو گیری به عمل آید به‌طور بی‌رحمانه‌یی ایشان بار دیگر به زندان منتقل گردیدند که در نتیجه یک نفر آن‌ها در اثر بیماری حمای لکه دار درگذشت و دیگران هم نیمه‌جان‌اند. اینست نمونه کوچکی از وضع فلاکتبار زندانیان زندان‌های کشور.

انعکاسات راجع به کنفرانس رباط

روز نامه الجمهوریه چاپ بغداد در سرمقاله تاریخی ۲۹ سپتمبر خویش راجع به نتایج کنفرانس کشورهای اسلامی در رباط و اعلامیهٔ مشترک این کنفرانس می‌نویسد: «محض نگاهی به این اعلامیه مشترك واضح می‌سازد که اعلامیه مذکور واضحاً تقاضائی است به خاطر جلوگیری از هر نوع مقابله عملی بر ضد تجاوز صهیونی و امپریالیستی» روزنامه مزیداً می‌گوید: «اعلامیه حتی اشاره ساده‌یی راجع به حقوق اعراب فلسطین به خاطر احیای مجدد سرزمین‌های اشغال شده‌شان از غاصبین صهیونی نه نموده است و نه از فعالیت‌های کوماندوها در داخل مناطق اشغالی فلسطین که توسط پیش آهنگان انقلابی اجرا می‌شود کدام تذکری به عمل آمده است .» روز نامه علاوه می‌کند:

«از نظر انداختن مبارزه مسلحانه انقلابی در فلسطین عربی اختلاف زیادی را که بین توده‌های مؤمن عرب که هر نوع فیصلهٔ مشکوك را رد می‌نمایند، و روش بعضی از کشورهای اسلامی که از حدود ملل متحد یك گام هم فراتر نه نهاده‌اند منعکس می‌سازد...»

همچنان روزنامه النور چاپ بغداد راجع به اختلافاتی که در کنفرانس رباط بین اشتراك کنندگان مو جود بود تبصره می‌نماید.

روزنامه ناکامی کنفرانس رباط را از یکطرف ناشی از خصلت روابط موجود بین حکومت اسلامی اشتراك کننده در کنفرانس و از جانب دیگر بین بعضی از این کشورها و امپریالیزم و اسرائیل می‌داند. روزنامه می‌نویسد «این بود حقیقتی در پس پرده ناکامی کنفرانس رباط که نتوانست کدام کار عینی بر ای بهبود موضوع فلسطین و جنبش‌های ضد امپریالیزم و صهیونیت انجام دهد... » روزنامه علاوه می‌نماید: »علت دیگری که منجر به ناکامی کنفرانس گردید اینست که سیاست‌هایی که از طرف بعضی از حکومت‌ها تعقیب می‌گردد از منافع ملت‌های شان نشئت نمی‌نماید بلکه ناشی از منافع استثمار طبقاتی‌شان و پیوند این منافع با منافع امپریالیزم می‌باشد.

پرچم

صاحب امتیاز : سلیمان لایق

مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر

تیلفون: ۲۳۱۶۴

مطبعه دولتی

تایپ متن قاسم آسمایی
ویرایش جدید: عمر فیض